

امکان‌ناپذیری و امکان‌پذیری توافقی در برنامه‌ی هسته‌ای ایران

همسنگی دوره‌های سه‌گانه‌ی ریاست جمهوری (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی)

زهرا اکبری (کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

akbari.za@mail.um.ac.ir

محسن خلیلی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

khalilim@um.ac.ir

سید احمد فاطمی نژاد (استادیار روابط بین‌الملل، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

a.fatemi@um.ac.ir

چکیده

برنامه‌ی هسته‌ای ایران، از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب بوده است. این برنامه سه دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی را درگیر خود کرد. پژوهش حاضر بر مبنای نظریه‌ی منطقه‌ی توافقی ممکن (ZOPA) و همچنین با بهره‌گیری از روش تاریخی تطبیقی به بررسی برنامه‌ی هسته‌ای در سه دوره‌ی ریاست جمهوری (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش این است که چرا در دو دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد مذاکرات ایران و قدرت‌های غربی به توافق هسته‌ای ختم نشد، اما در دوره‌ی ریاست جمهوری روحانی این مذاکرات به توافق هسته‌ای منجر شد. فرضیه‌ی نوشتار این است که استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ناهمانند، در دو محیط داخلی و خارجی (ایران و گروه ۵+۱) در سه دوره‌ی ریاست جمهوری (خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی) منجر به دو دستاورد گوناگون (عدم توافق و توافق) در برنامه‌ی هسته‌ای ایران شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در دوران خاتمی، انعطاف ایران، کشورهای غربی را بر این باور رساند که نیاز چندانی به کنارآمدن با ایران ندارند. در دوران احمدی‌نژاد نیز به دلیل سیاست خارجی تهاجمی، این فرصت به ایالات متحده داده شد که اتحادیه‌ی اروپا و حتی چین و روسیه را با خود همراه کند، و قطعنامه‌های تحریمی را علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل تصویب کند. اما در دوره‌ی روحانی، با بهره‌گیری از تجارب دولت‌های پیشین سعی شد مسیر اعتدال طی گردد؛ سیاستی که باعث گردید طرف مقابل ایران، در سیاست‌های خود تجدید نظر کند. همین امر دستیابی به توافق جامع هسته‌ای را امکان‌پذیر کرد.

واژگان کلیدی: ایران، برنامه‌ی هسته‌ای، مذاکرات هسته‌ای، قدرت‌های غربی، توافق، دوره‌های سه‌گانه‌ی ریاست جمهوری.

۱. مقدمه

موضوع برنامه‌ی هسته‌ای ایران از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ به دلیل پیامدهای سیاسی و اقتصادی‌اش، از جمله ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت سازمان ملل و اعمال تحریم‌های اقتصادی شدید علیه ایران، از مهم‌ترین مسائل سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب بوده است. این برنامه، دولت سه رئیس جمهور (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) را در دوره‌ی پس از انقلاب درگیر خود کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، ایالات متحده و به دنبال آن کشورهای اروپایی تمام همکاری‌های خود در زمینه‌ی هسته‌ای را با ایران متوقف کردند. به همین جهت ایران در سال ۱۳۶۶ اجزای اصلی مورد نیاز این طرح را از شبکه عبدالقدیرخان تهیه کرد. اما بعد از بمباران نیروگاه بوشهر در سال ۱۳۶۶ توسط عراق، برنامه‌ی هسته‌ای غیر نظامی ایران، تا پایان جنگ و موفقیت هاشمی رفسنجانی در انتخابات سال ۱۳۶۸ به حالت تعلیق درآمد. رفسنجانی، کوشید همکاری بین‌المللی را برای تکمیل طرح‌های اتمی بر جای مانده از حکومت شاه و آغاز برنامه‌ی هسته‌ای جدید به سوی ایران جلب کند.

پس از انتخابات خرداد سال ۱۳۷۶ و روی کار آمدن محمد خاتمی دوران جدیدی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید. در این دوره صلح‌گرایی، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، گفت‌وگو و چندجانبه‌گرایی در دستور کار سیاست خارجی قرار گرفت. نظریه‌ی گفت‌وگوی تمدن‌ها را خاتمی در پاسخ به نظریه‌ی برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون، در هشتمین نشست سران کنفرانس اسلامی در تهران در ۱۸ آذر ماه ۱۳۷۶ مطرح نمود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۵۲)؛ که در واقع نشانه‌ی آگاهی و اشراف وی به وجود دو مشکل اصلی در روابط خارجی ایران بود: الف) روابط ایران با دنیای خارج دچار تشنج است که ادامه‌ی این امر به زیان ایران تمام خواهد شد؛ ب) حداقل بخشی از این تشنج بر عهده‌ی دیپلماسی ایران است که باید رفع شود (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). این سیاست تنش‌زدایی در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای نیز نمود پیدا کرد. در این دوره ایران به صورت گسترده با آژانس همکاری و بسیاری از ابهامات گزارش شده را رفع کرد. نخستین تلاش‌های تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای در این دوره این بود که نشان دهد ایران بازیگری عقلانی و درصدد اعتمادسازی با جامعه‌ی بین‌المللی است. با این حال غرب با دستیابی ایران به فناوری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز مخالفت نمود. ایران ۲۰ ماه (۱۳۸۴-۱۳۸۲) با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کرد و بازرسی از برخی تأسیسات خود را هم پذیرفت، اما کشورهای اروپایی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ از ایران خواستند تمام فعالیت‌های غنی‌سازی خود را تعلیق کند.

با پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ سیاست خارجی با تغییراتی گسترده همراه گردید. اگر نموداری از زمان تشکیل کابینه‌ی میرحسین موسوی تا روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در حوزه‌ی سیاست و روابط خارجی ترسیم کنیم، مسیر حرکت این نمودار از آرمان‌گرایی محض و نگاهی شدیداً ایدئولوژیک به سمت دیدگاه واقع‌گرایی نسبی در حال حرکت بود. در حالی که با تشکیل کابینه‌ی محمود احمدی‌نژاد، محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی دچار یک انقطاع و شوک شدید سیاسی گردید. به عبارتی دوران اعتمادسازی و تنش‌زدایی به مرحله‌ای از ستیز و تنش در روابط بین‌الملل تغییر جهت داد (ازغندی، ۱۳۹۴: ۱۳۸). در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای نیز

دولت احمدی‌نژاد برخلاف دولت قبلی تصمیم گرفت، درخواست‌های غرب از جمله شورای امنیت را نادیده بگیرد و آن‌ها را غیرمشروع بداند. به باور او این بی‌توجهی، مخالفان بین‌المللی را مجبور می‌کرد عقب‌نشینی کنند و سرانجام برنامه‌ی غنی‌سازی ایران را بپذیرند. سیاست نگاه به شرق دولت احمدی‌نژاد بهره‌گیری از انسجام، توانایی و اراده‌ی بلوک شرق برای مقابله با غرب بود. دیپلماسی احمدی‌نژاد باعث شد قدرت‌های بزرگ، تعلیق غنی‌سازی را که در دوره‌ی خاتمی داوطلبانه تلقی می‌شد، با قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد الزامی کنند.

در انتخابات سال ۱۳۹۲، حسن روحانی به عنوان یازدهمین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. روحانی سیاست تنش‌زدایی، تعامل با جهان خارج و نظام بین‌الملل را در دستور کار خود قرار داد که مستلزم احترام به حقوق بین‌الملل و تعامل با دولت‌های مختلف جهان بود. برنامه‌ی هسته‌ای ایران در این دوره به دلیل سابقه‌ی آقای روحانی به عنوان دبیر شورای عالی امنیت ملی در دوره‌ی نخست ظهور بحران هسته‌ای، در کانون توجه سیاست خارجی قرار گرفت. نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۳۹۲ نخستین فرصت دولت روحانی بود که بتواند از طریق آن مذاکرات هسته‌ای را آغاز کند. مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو در ۳ آذر ۱۳۹۲ شروع شد. ۲۰ ماه بعد در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت. سپس، در ۲۱ تیر ۱۳۹۴ توافق جامع هسته‌ای وین بین ایران و گروه ۵+۱ منعقد شد. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: چرا در دو دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد مذاکرات ایران و قدرت‌های غربی به توافق جامع هسته‌ای ختم نشد، اما در دوره‌ی ریاست جمهوری روحانی این مذاکرات به توافق جامع هسته‌ای منجر شد؟ در پاسخ و به عنوان فرضیه اصلی این پژوهش باید گفت که استراتژی‌ها و تاکتیک‌های ناهمانند، در دو محیط داخلی و خارجی (ایران و گروه ۵+۱) در سه دوره‌ی ریاست جمهوری (خاتمی و احمدی‌نژاد و روحانی) منجر به دو دستاورد گوناگون (عدم توافق و توافق) در برنامه‌ی هسته‌ای ایران شده است. در این پژوهش تلاش می‌شود تا روند مذاکرات هسته‌ای در سه دوره‌ی ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی، و همچنین نحوه‌ی دستیابی به توافق جامع هسته‌ای با استفاده از چارچوب منطقه‌ی توافق ممکن (ZOPA) مورد بررسی قرار گیرد.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

ادبیات نسبتاً گسترده‌ای در زمینه‌ی سیاست خارجی و برنامه‌ی هسته‌ای ایران در دوره‌های سه‌گانه‌ی ریاست جمهوری (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) توسط پژوهشگران ایرانی و غیر ایرانی به رشته‌ی تحریر درآمده است که ابعاد و وجوه مختلف این موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. برای نمونه کتاب «روایت بحران هسته‌ای ایران: ناگفته‌های یک دیپلمات» نوشته‌ی سیدحسین موسویان است. وی در این کتاب تاریخچه‌ی فعالیت هسته‌ای ایران، سیاست هسته‌ای و تعاملات ایران را با جامعه‌ی بین‌المللی در خلال دولت‌های محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد را مطرح کرده و همچنین سیاست‌های هسته‌ای اتخاذ شده در این دو دوره را با یکدیگر مقایسه، و نقاط قوت و ضعف‌شان را ارزیابی کرده است (موسویان، ۱۳۹۴). کتاب دیگر «امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای» نوشته‌ی حسن روحانی می‌باشد. وی در این

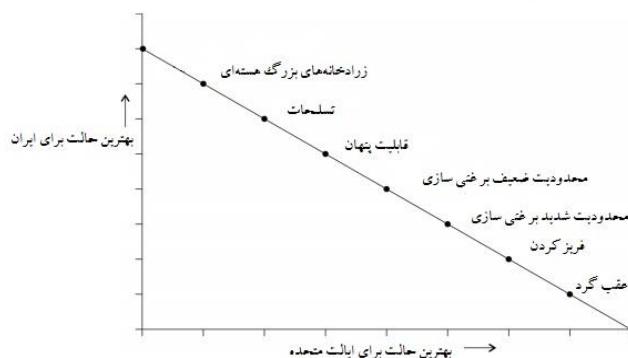
کتاب شکل‌گیری تنش هسته‌ای در سال ۱۳۸۱ و بین‌المللی شدن موضوع هسته‌ای ایران را مطرح کرده، و همچنین دستاوردهای ۶۷۸ روز تلاش خود در مذاکرات با غرب از یک طرف و تلاش برای اجماع‌سازی داخلی از طرف دیگر را به عنوان مسئول ارشد پرونده‌ی هسته‌ای ایران بیان کرده است (روحانی، ۱۳۹۲). اولی هینون در مقاله «برنامه‌ی هسته‌ای ایران؛ پارامترهای عملی برای توافق بلندمدت قابل اعتماد»، ضمن بررسی روند دستیابی به توافق جامع هسته‌ای، بر این باور است که این توافق و انطباق ایران با مقررات آن سال‌ها طول خواهد کشید. برای رسیدن به این روند گروه ۵+۱ باید گام مهمی در جهت غنی‌سازی در ایران به شیوه‌ای که به طور مؤثر نگرانی‌های تکثیر را مورد توجه قرار دهد و مانع از یک سناریوی شکست شود؛ بردارد (Heinonen, 2014). پیتر جنکینز و ریچارد دالتون در مقاله‌ی «آینده‌ی هسته‌ای ایران» بر این باور هستند که روی کار آمدن حسن روحانی به عنوان ریاست جمهوری جدید ایران و سخنرانی وی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گامی نو در جهت تغییری سازنده بود. آنها معتقدند که در شروع مذاکرات دو طرف توافق کردند که ایران باید دارای توانایی غنی‌سازی مرتبط با نیازهای متقابل مشترک باشد و همین امر راه را به سوی یک توافق جامع هموار کرد (Jenkins a Dalton, 2014). سارا فلاحی در مقاله‌ی «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران خاتمی و احمدی‌نژاد تا پایان قطعنامه‌ی ۱۷۴۷ شورای امنیت»، معتقد است که در دوره‌ی خاتمی دستگاه دیپلماسی ما در پی مقابله با قدرت‌های بزرگ براساس آرمان‌ها برنیامد؛ زیرا می‌دانست توان و امکانات آن بسیار ضعیف‌تر از قدرت‌های رقیب است. پس زمانی که به عنوان یک بازیگر کوچک وارد بازی بزرگ شد، با استفاده از حداکثر توان و ظرفیت خود توانست در مواردی نبض بازی را به دست بگیرد. سیاستی که دولت نهم در پیش گرفته بیش از آن که تابع تغییرات حاکم بر نظام بین‌الملل و یا از ساختار چارچوب مشخصی در راستای منافع ملی برخوردار باشد، بیشتر سیاست خارجی شخص‌محور و تابع ویژگی‌های شخصیتی رئیس‌جمهور است (فلاحی، ۱۳۸۶). مقاله‌ی بعدی، «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه‌ی هسته‌ای ایران» نوشته‌ی رضا خلیلی می‌باشد. از نظر وی یازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری در ایران تغییر قابل توجهی در ترکیب دولت ایجاد کرد و با برتری بخشیدن به ائتلاف عمل‌گرایان، زمینه را برای تغییر در فضای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم کرد. این مقاله همچنین با بررسی مقایسه‌ای مواضع کشورهای مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران قبل و پس از انتخابات ریاست جمهوری، نشان می‌دهد که این انتخابات باعث تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران شده است (خلیلی، ۱۳۹۳). رابرت کلی در مقاله‌ی «توافق هسته‌ای با ایران» تاریخچه‌ای از نحوه‌ی برگزاری مذاکرات و کنفرانس‌ها و چگونگی دستیابی به توافق هسته‌ای را بررسی می‌کند. وی بر این باور است که توافق جامع هسته‌ای به نفع دو طرف مذاکره می‌باشد؛ زیرا این توافق باعث تعلیق تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران می‌شود و همچنین تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه‌ی اروپا را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. از طرفی دیگر این توافق ایران را متعهد می‌کند که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اجازه دهد تا به تأسیسات این کشور دسترسی داشته باشد (Kelly, 2013). حال تمایز این نوشتار با پژوهش‌های پیشین در این است که تا کنون پژوهشی که روند مذاکرات هسته‌ای در سه دوره‌ی ریاست جمهوری (خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی) را با استفاده از چارچوب منطقه‌ی توافق ممکن (ZOPA) مورد بررسی قرار داده باشد؛ انجام نشده است

۳. چارچوب نظری

در اصطلاحات مذاکراتی چنانچه معامله‌ای ممکن باشد (یعنی امکان توافق دو طرفه وجود داشته باشد) چنین گفته می‌شود که این امر بستگی به وجود منطقه‌ی توافق ممکن دارد. در واقع منطقه‌ی توافق ممکن طیف معاملات بالقوه‌ای است که بر طبق آن منافع هر دو طرف درک شده، و بهترین گزینه برای هر دو طرف انتخاب می‌شود. این چارچوب برای بررسی این است که آیا در مذاکرات هسته‌ای امکان شکل‌گیری منطقه‌ی توافق ممکن وجود دارد یا خیر، و چارچوب تحلیل ساده‌ای را که برای تجسم منطقه‌ی توافق ممکن و در نتیجه طیف معاهده‌های ممکن و نحوه‌ی تأثیرپذیری آن‌ها از مفروضات و گزینه‌های موجود مورد نیاز است، معرفی می‌کند. در اصل این چارچوب، ابزاری را برای نشان دادن این‌که آیا معاهده‌ی موجود برای هر دو طرف در زمان واحد نسبت به پیش‌شرط معاهده (جنگ و دستیابی به تسلیحات) بهتر می‌باشد، فراهم و پیشنهاد می‌نماید (Sebenius a Singh, 2012: 53-54).

چارچوب منطقه‌ی توافق ممکن دارای چهار شاخص می‌باشد. شاخص اول خط قرمزهای مذاکرات است. نمودهای تصویری خط قرمزهای مذاکرات حول دو محور شکل گرفته‌اند. محور افقی نشان دهنده‌ی ارزش‌های ایالات متحده بوده و محور عمودی نشان دهنده‌ی ارزش‌های ایران است (به شکل شماره ۱ رجوع کنید). در نتیجه حرکت به سوی بالا (یا شمال) به معنای افزایش ارزش برای ایران می‌باشد و حرکت به سمت راست (یا شرق) نشان دهنده‌ی همین امر برای ایالات متحده است. حرکت در میان این دو محور، مرز رو به پایین شیب داری است که نشان دهنده‌ی طیف پیامدهای ممکن برای برنامه‌ی هسته‌ای ایران است. گزینه‌های موجود در سمت چپ بالای تصویر بهترین گزینه‌ها برای ایران بوده و خط قرمز ایالات متحده محسوب می‌شود (زرادخانه‌های بزرگ هسته‌ای، تسلیحات و قابلیت پنهان)، و گزینه‌های موجود در بخش پایینی سمت راست (عقب‌گرد و فریز کردن)، بهترین حالت‌ها برای ایالات متحده و خط قرمز ایران به شمار می‌روند. حرکت در میان این دو، که شامل محدودیت شدید بر غنی‌سازی و محدودیت ضعیف بر غنی‌سازی می‌شود، نشان دهنده‌ی منطقه‌ی توافق ممکن می‌باشد. در صورتی که خط قرمزهای دو طرف مذاکره رعایت شود، دستیابی به توافق بستگی به ابعاد مذاکراتی دارد (Sebenius a Singh, 2012:66).

شکل ۱: نمایش تصویری پایه‌ی مذاکرات هسته‌ای ایران و ایالات متحده



مأخذ: (Sebenius a Singh, 2012: 67)

دومین شاخص در منطقه‌ی توافق ممکن تاکتیک‌ها و پروسه‌هایی متمرکز می‌باشد. نمونه‌هایی که در آن‌ها معاهده‌هایی مستقیم صورت گرفته‌اند و یا واسطه‌ها نقش داشته‌اند (غیرمستقیم)، مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه، گفت‌وگوهای غیر مرتبط و برقراری رابطه یا مستقیم سر اصل مطلب رفتن. سومین شاخص، که فراتر از تاکتیک‌ها قرار می‌گیرد، مسأله‌ی طراحی معاهده می‌باشد. طراحی معاهده به معنای ساختاربندی خلاقانه‌ی توافقاتی بالقوه است، به گونه‌ای که می‌تواند ارزش تمامی طرف‌ها را به حداکثر میزان رسانده و حالتی پایدار را اثبات نمایند. آخرین مورد، شاخص معماری مذاکرات است که در حوزه‌ی تنظیمات مذاکرات قرار می‌گیرد. این امر به این معناست که طرفین مذاکرات، منافع آن‌ها و کنش‌های تأثیرگذار، زمانی مورد توجه قرار می‌گیرند که هر دو طرف برای مذاکره آماده باشند (Sebenius a Singh, 2012: 56- 57).

نکته‌ی مهم در نظریه‌ی منطقه‌ی توافق ممکن این است که چنانچه یک طرف قضیه چنین تشخیص دهد که انجام ندادن معاهده بهتر از هر گونه معاهده‌ی بالقوه‌ی پیشنهادی از طرف دیگر می‌باشد، به هیچ عنوان توافقی در کار نخواهد بود. مهم‌ترین چالش برای مذاکرات، یافتن توافقی است که در چشم هر دو طرف بهتر از پیش شرط‌های وجود معاهده (جنگ و یا دستیابی به قابلیت‌های هسته‌ای) باشد. وجود منطقه‌ی توافق ممکن پیش‌نیازی برای موفقیت دیپلماتیک به نظر می‌رسد. در صورتی که امکان ایجاد چنین منطقه‌ای برای توافق وجود نداشته باشد، وضعیت ناخوشایندی باید در نظر گرفته شود. هدف نگارندگان از به کارگیری چارچوب ارائه شده در این نوشتار بررسی روند ۱۲ سال مذاکرات هسته‌ای بین ایران و تمامی طرف‌های مذاکره‌کننده (نه فقط ایالات متحده)؛ و همچنین ارزیابی این‌که چرا منطقه‌ی توافق ممکن در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد شکل نگرفت اما در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی منطقه‌ی توافق ممکن ایجاد و همچنین منجر به توافق جامع هسته‌ای شد.

جدول شماره ۱: شاخص‌های منطقه‌ی توافق ممکن

شاخص‌ها	تعریف
خط قرمزها	خط قرمزهای مذاکرات حول دو محور شکل گرفته‌اند. یک محور نشان دهنده‌ی ارزش‌های ایالت متحده بوده و محور دیگر نشان دهنده‌ی ارزش‌های ایران است. بهترین گزینه‌ها برای ایران و خط قرمز طرف مقابل شامل (زرادخانه‌های بزرگ هسته‌ای، تسلیحات و قابلیت پنهان) می‌باشد، و (عقب‌گرد و فریز کردن)، بهترین حالت‌ها برای ایالت متحده و خط قرمز ایران به شمار می‌روند.
تاکتیک‌ها	نمونه‌هایی که در آن‌ها معاهده‌هایی مستقیم صورت گرفته‌اند و یا واسطه‌ها نقش داشته‌اند (غیرمستقیم)، مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه، گفت‌وگوهای غیر مرتبط و برقراری رابطه یا مستقیم سر اصل مطلب رفتن
طراحی معاهده	این امر به معنای ساختاربندی خلاقانه‌ی توافقاتی بالقوه است، به گونه‌ای که می‌تواند ارزش تمامی طرف‌ها را به حداکثر میزان رسانده و حالتی پایدار را اثبات نمایند.
معماری مذاکرات	این بُعد درحوزه‌ی تنظیمات مذاکرات قرار می‌گیرد، و شامل: طرفین مذاکرات، منافع آن‌ها و کنش‌های تأثیرگذار بر عوامل می‌باشد.

۴. منطقه‌ی توافق ممکن و مذاکرات هسته‌ای

همانطور که گفته شد چارچوب منطقه‌ی توافق ممکن دارای چهار شاخص خط قرمزهای مذاکرات، تاکتیک‌های مذاکرات، طراحی معاهده و معماری مذاکرات می‌باشد. در ادامه به بررسی مقایسه‌ای روند مذاکرات هسته‌ای در طول سه دوره‌ی ریاست جمهوری (خاتمی، احمدی نژاد و روحانی) با استفاده از این شاخص‌ها خواهیم پرداخت:

۴-۱. خط قرمزهای مذاکرات

در دوران خاتمی، ایران به صورت گسترده با کشورهای اروپایی همکاری کرد، اما طرف اروپایی قصد داشت با طولانی‌تر کردن تعلیق ایالات متحده را راضی نگه دارد، و همین امر باعث شد از خط قرمز ایران که شامل فریز کردن و تعلیق برنامه‌ی هسته‌ای بود عبور کنند. بعد از علنی شدن برنامه‌ی هسته‌ای ایران، در نشست اوپان فرانسه در ۱۱ خرداد ۱۳۸۲ سران گروه هشت با توجه به دیپلماسی بوش در این نشست به این باور رسیدند باید فشار بیشتری بر ایران وارد شود (بصیری، قاسمی؛ ۱۳۸۵: ۱۱۲). در ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ قطعنامه‌ی شدیدالحنی علیه ایران صادر گشت. در این قطعنامه از ایران خواسته شد بود فعالیت غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند (Joyner, 2013: 283). بعد از این قطعنامه، ایران خواستار اثبات ماهیت صلح‌آمیز برنامه‌ی هسته‌ای خود بود به همین دلیل مذاکره با سه کشور اروپایی را آغاز و اعلام کرد که برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را تعلیق می‌کند (فلاحی، ۱۳۸۶: ۶۰). با وجود اقدامات مثبت از جانب ایران، شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جلسه‌ی ۵ آذر ۱۳۸۲ قطعنامه‌ی دیگری را علیه ایران تصویب کرد. ایران همچنین در ۲۷ آذر ۱۳۸۲ پروتکل الحاقی را امضاء کرد. اما بعد از آن آژانس در فاصله‌ی زمانی آذر تا بهمن ۱۳۸۲ از ایران خواست دامنه‌ی تعلیق را افزایش دهد (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۳: ۲۰۳). با وجود همکاری‌های ایران و آژانس و شکل‌گیری توافق بروکسل میان ایران و سه کشور اروپایی، و پذیرش دوباره‌ی تعلیق از جانب ایران در این توافق، شورای حکام آژانس در ۲۳ اسفند ۱۳۸۲ قطعنامه‌ی دیگری را علیه ایران صادر کرد (احدی، ۱۳۸۴: ۱۸۹). تام دانلی یکی از مقامات بلندپایه‌ی ایالات متحده در رابطه با مذاکرات ایران با اروپا اظهار داشت: «در صورتی که مذاکرات ایران و اروپا به شکست منجر شود، لازم است بوش یک تصمیم‌گیری اساسی داشته باشد که یا ایران هسته‌ای را قبول کند و یا این‌که دست به اقدام پیش‌دستانه نظامی علیه ایران بزند» (زهرانی، ۱۳۸۳: ۵۰۵).

احمدی‌نژاد و یارانش معتقد بودند باید نظم و قواعد سیاسی موجود را که غرب بر نهادهای بین‌المللی تحمیل کرده را نفی کنند و همزمان شرایطی را به وجود آورند که قدرت‌های غربی را وادار به پذیرش قدرت ایران کنند. این امر باعث شد، با وجود صلح‌آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران، قدرت‌های غربی به این نتیجه برسند که ایران از خط قرمزهای آنان که شامل دستیابی به تسلیحات می‌باشد، عبور کرده است. احمدی‌نژاد در همان ابتدای دوران ریاست جمهوری، پیشنهاد سه کشور اروپایی و قطعنامه‌ی ۲۰ مرداد ۱۳۸۴ مبنی بر تعلیق غنی‌سازی را رد کرد (Kerr, 2018: 7). متعاقب این تحولات ایران در ۱۰ دی ایران در حضور کارشناسان آژانس با برداشتن مهر و موم‌ها، از تأسیسات نطنز رفع تعلیق نمود که با واکنش شدید اروپا و ایالات متحده مواجه شد (دهقانی فیروزآبادی، نوری؛ ۱۳۹۰: ۲۲۸-۲۲۷).

جمهوری اسلامی در پاسخی عملی به قطعنامه‌ی ۱۷۴۷، در ۲۰ فروردین ۱۳۸۶، ورود به مرحله‌ی تولید صنعتی سوخت هسته‌ای و قرار گرفتن در زمره کشورهای تولید کننده‌ی سوخت هسته‌ای را با حضور رئیس جمهور در مجتمع غنی‌سازی نطنز جشن گرفت (دهقانی فیروزآبادی، نوری؛ ۱۳۹۰: ۲۳۵-۲۳۳). محمود احمدی‌نژاد در ۲۱ فروردین ۱۳۸۷ اعلام کرد ایران با راه‌اندازی سانتریفیوژهای جدید سرعت غنی‌سازی اورانیوم را تا پنج برابر افزایش خواهد داد. او همچنین گفت ایران ۶۰۰۰ سانتریفیوژ نصب کرده و درصدد است تعداد آن‌ها را به ۵۰۰۰۰ برساند؛ و بعد از آن در آستانه‌ی ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ دستور آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی را صادر کرد (قهرمان‌پور، ۱۳۹۵: ۲۸۱).

با روی کار آمدن حسن روحانی و گفته‌های وی مبنی بر تعامل با جهان برپایه‌ی احترام متقابل و استقبال طرفین غربی از این موضع دولت روحانی و همچنین سخنرانی مقام رهبری مبنی بر نرمش قهرمانانه، و گفته‌های قدرت‌های غربی مبنی بر این‌که برنامه هسته‌ای ایران متوقف نخواهد شد، به معنای رعایت خط قرمزهای دو طرف مذاکره بود. به گزارش خبر آنلاین روحانی در ۲۰ بهمن سال ۱۳۹۱ در مصاحبه‌ای در مورد روابط ایران و ایالات متحده گفت: «اگر آمریکایی‌ها صداقت نشان دهند و آماده حل معضلات بین دو کشور باشند بازی بُرد-بُرد امکان‌پذیر است» (Bowen a, Moran, 2015: 693). آیت‌الله خامنه‌ای نیز در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران با اشاره به پیچیدگی‌های دنیای دیپلماسی گفتند: «با مسئله‌ای که سال‌های پیش نرمش قهرمانانه خواندم موافقم چرا که این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است...» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۲/۶/۲۶). جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید، از آمادگی واشنگتن برای گفت‌وگو با دولت ایران خبر داد: «ایالات متحده برای مذاکره با دولت حسن روحانی رئیس جمهوری ایران آماده است» (سایت فرارو، ۱۳۹۲/۶/۲۶). علاوه بر این، همزمان با تغییر لحن فضای بین‌المللی مبنی بر رعایت خط قرمزهای دو طرف، برخی اقدامات عملی نیز در این روند تأثیرگذار بودند. از جمله این اقدامات توافق موقت ژنو بود. در این توافق برای اولین بار خط قرمزهای دو طرف مذاکره رعایت گردید. توافق ژنو حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شد. در این توافق مهم‌ترین خواسته‌ی ایران تحقق یافت و پررنگ‌ترین خط قرمز حفظ شد. اما طرفین مقابل نیز به امتیازهای مورد نظر خود رسیدند. مهم‌ترین نگرانی و خط قرمز ۵+۱ گسترش فعالیت غنی‌سازی ایران بود، بنابراین ایران متعهد شد که غنی‌سازی بیش از ۵ درصد را در دستور کار خود قرار ندهد (Vishwanathan, 2016: 8-9).

در دوران خاتمی ایران به صورت گسترده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و سه کشور اروپایی همکاری کرد، اما در نهایت کشورهای اروپایی با عبور از خط قرمز ایران خواهان تعلیق و فریز کردن برنامه‌ی هسته‌ای شدند. در دوران احمدی‌نژاد نیز به دلیل مواضع تند وی و یارانش، کشورهای غربی با وجود صلح‌آمیز بودن برنامه‌ی هسته‌ای ایران، احساس کردند که ایران از خط قرمزهای آن‌ها که شامل تسلیحات، زرادخانه‌های بزرگ هسته‌ای و قابلیت پنهان می‌باشد، عبور کرده است. با روی کار آمدن دولت روحانی، گفته‌های وی در رابطه با مذاکرات بُرد-بُرد، و گفته‌های قدرت‌های غربی مبنی بر این‌که برنامه هسته‌ای ایران متوقف نخواهد شد، به معنای رعایت خط قرمزهای دو طرف مذاکره، و در نهایت رسیدن به یک توافق جامع بود.

۴-۲. تاکتیک‌های مذاکرات

الف) مذاکرات مستقیم یا غیرمستقیم (واسطه‌ها)

در دوران اصلاحات ایران به طور مستقیم با سه کشور اروپایی وارد مذاکره شد، اما به دلیل مخالفت رهبری در این دوره هیچ مذاکره‌ای در رابطه با برنامه هسته‌ای، (نه به صورت مستقیم نه از طریق واسطه) با ایالات متحده نداشت (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۷۵). این مسئله یکی از نقاط ضعف این مذاکرات بود، به این دلیل که یکی از طرفین اصلی این بحران یعنی ایالات متحده اساساً طرف مذاکره نبوده، و همین امر حل مسئله را دشوارتر کرده بود.

در دوران احمدی نژاد ایران با تمام کشورهای گروه ۵+۱ مذاکرات مستقیم داشت. اولین نشست از این دست میان مقامات ایالات متحده و ایران پس از سه دهه در مهر ۱۳۸۸ برگزار شد. این اولین مذاکره رسمی و مستقیم یک مقام عالی‌رتبه‌ی ایرانی با یکی از مقام‌های ایالات متحده در ۳۰ سال گذشته بود (Ramesh a Tsegaye, 2011: 12). علاوه بر این، ایران در این دوره از طریق عمان (واسطه) با ایالات متحده مذاکرات محرمانه‌ای را برقرار کرد (Sterio, 2016: 72). علی‌اکبر صالحی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی، در گفت‌وگوی تفصیلی با ماهنامه‌ی دیپلمات با اشاره به جزئیات بیشتری از مذاکرات محرمانه‌ی ایران و ایالات متحده در دولت احمدی‌نژاد گفت که مذاکرات محرمانه با ایالات متحده با یادداشت مشاور سلطان قابوس کلید خورد. وی تصریح کرد: «در اواسط سال ۹۰ پس از دریافت نامه‌ی سلطان قابوس وقت ملاقات خصوصی از حضرت آقا گرفتیم. ایشان در این دیدار به بدعهدی‌ها و عداوت‌های آمریکا با ایران اشاره کردند. خدمت مقام معظم رهبری گفتم از باب اتمام حجت اجازه‌ی مذاکره با آمریکا را صادر بفرمایید، مقام معظم رهبری هم بزرگواری کردند و فرمودند با مذاکرات مخالفتی ندارم». صالحی گفت: «در دور اول مذاکره با آمریکا چارچوب و نقشه‌ی راه تعیین شد. دور دوم مذاکرات را فقط با آقای احمدی‌نژاد هماهنگ کردیم و بعد به مسقط رفتیم. این مذاکرات اوایل اسفند ۹۱ انجام شد» (صالحی، ۱۳۹۴: ۲۸-۲۵).

در دوران روحانی ایران مذاکرات مستقیم گسترده‌ای نیز با کشورهای روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان و همچنین ایالات متحده به عنوان طرف اصلی بحران هسته‌ای ایران، داشت. علاوه بر این، در این دوره ایران و ایالات متحده از طریق عمان به مذاکرات محرمانه ادامه دادند. به گزارش انتخاب، سلطان قابوس پادشاه عمان نقشی کلیدی در مذاکرات محرمانه‌ی ایران و ایالات متحده که منجر به توافق تاریخی هسته‌ای ژنو شد، دارد. این مذاکرات از نزدیک‌ترین دوستان ایالات متحده از جمله گروه ۵+۱ و اسرائیل پنهان شده بود. این مذاکرات با حضور ویلیام برنز، معاون اوباما، و جک سالیوان، مشاور جو بایدن، در عمان برگزار شد. ۴ دور از این مذاکرات در زمان حسن روحانی برگزار شد که منجر به توافق ژنو شد. با کمک سلطان قابوس دو کشور ایالات متحده و ایران برنامه‌ریزی‌هایی را در جهت دیدار در عمان با حضور تیمی از کارشناسان آغاز کردند. دو جلسه محرمانه بلافاصله پس از پیروزی روحانی برگزار شد که حول مذاکرات هسته‌ای بود. دو جلسه‌ی دیگر در ماه مهر به وقوع پیوست (پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، ۱۳۹۲/۹/۴).

به طور کلی می‌توان گفت، در دوران اصلاحات، ایران به طور مستقیم با سه کشور اروپایی وارد مذاکره شد، اما به دلیل مخالفت رهبری در این دوره هیچ مذاکره‌ای با ایالات متحده صورت نگرفت، که همین امر باعث شد مذاکرات این

دوره راه به جایی نبرد؛ زیرا ایالات متحده یکی از طرف‌های مهم در بحران هسته‌ای ایران است. در دوران احمدی‌نژاد خط قرمز مذاکره با ایالات متحده برداشته شد. علاوه بر این، ایران در این دوره از طریق عمان با ایالات متحده ۲ دور مذاکرات محرمانه برقرار کرد. در این دوره با وجود اجازة‌ی مذاکرات مستقیم و غیرمستقیم با ایالات متحده، تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای کشورمان از این فرصت استفاده نکرد و نتوانست به راه‌حلی در زمینه‌ی هسته‌ای دست یابد. با روی کار آمدن حسن روحانی مذاکرات محرمانه‌ی غیرمستقیم بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کرد. علاوه بر این، ایران به صورت گسترده با ایالات متحده و دیگر کشورهای گروه ۵+۱ مذاکرات مستقیم داشت، که همین مذاکرات راه را برای رسیدن به توافق هموارتر کرد.

ب) مذاکرات دوجانبه یا چندجانبه

در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی اکثر مذاکرات به صورت چندجانبه با سه کشور اروپایی (انگلستان، فرانسه و آلمان) برگزار شده است. اولین دور مذاکرات هسته‌ای بین ایران و سه کشور اروپایی در روز ۲۷ مهر ۱۳۸۲ در تهران آغاز، و تا ۲۹ مهر ادامه پیدا کرد و در نهایت منجر به توافق سعدآباد شد (Meier, 2013: 2). حسن روحانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در ۲۶ آبان ۱۳۸۲ بعد از منتشر شدن گزارش البرادعی و توزیع پیش‌نویس قطعنامه در بین اعضای شورای حکام، به بروکسل سفر کرد و در آنجا با سه وزیر اروپایی دیدار کرد (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۴۶). بعد از آن تیم هسته‌ای در سفر به بروکسل، ۲ دور مذاکره انجام داد. در دور نخست، به توافقی کلی دست یافت. پس از موافقت سران در تهران با کلیات این طرح، افراد تیم در بروکسل در دور دوم مذاکرات در ۴ اسفند ۱۳۸۲ به توافق نهایی رسیدند (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۵۲-۲۵۱). دور بعدی مذاکرات ایران و اتحادیه‌ی اروپا در ۳۰ مهر و ۶ آبان ۱۳۸۳ در وین برگزار شد. سرانجام ایران و این سه کشور در ۱۵ آبان ۱۳۸۳ در پاریس به توافق اولیه و مقدماتی دست یافتند. مذاکرات بعد از آن برای اجرایی کردن توافق‌نامه‌ی پاریس بود. نخستین دور این مذاکرات در زمینه‌ی تشکیل سه گروه کاری؛ تعیین ترکیب و تدوین کلیات برنامه‌های آن‌ها روز ۲۳ آذر ۱۳۸۳ در بروکسل، بین ایران، سه کشور اروپایی و سولانا، برگزار شد. علاوه بر این، سه نشست کمیته راهبری در رابطه با تضمین‌های عینی هم در ۱۵ اسفند ۱۳۸۳ در پاریس، ۳ فروردین ۱۳۸۴ در پاریس و ۹ اردیبهشت ۱۳۸۴ در لندن تشکیل شد (Carrel-Billiard a Wing, 2010: 34).

در دوران هشت ساله‌ی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد بیشتر مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ به صورت چندجانبه برگزار گردید. بعد از ارسال نامه‌ی علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی وقت، به محمد البرادعی، در رابطه با آمادگی ایران برای مذاکره با آژانس جهت حل‌وفصل موضوع هسته‌ای، خاویر سولانا به نمایندگی از کشورهای ۵+۱ در ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ جهت ارائه‌ی بسته‌ی پیشنهادی جدید شش کشور وارد تهران شد. پس از آن ایران اعلام داشت پس از بررسی کارشناسی این بسته تا آخر مرداد ۱۳۸۵ آماده مذاکره در مورد آن خواهد بود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۵۴۱). اما به دلیل فشارهای اعضای گروه ۵+۱ مبنی بر پاسخ فوری تهران به مجموعه مشوق‌ها بود که در تیر ۱۳۸۵ علی لاریجانی، در رأس هیئتی بلندپایه، برای انجام مذاکرات مقدماتی به منظور ارائه‌ی پاسخ به بسته‌ی پیشنهادی عازم

بروکسل شد، و با هیئت پنج کشور (به جز ایالات متحده) به ریاست خاویر سولانا دیدار کرد. هیأت‌های طرفین مجدداً در ۲۰ تیر ۱۳۸۵ در بروکسل گرد هم آمدند. بعد از این، در ۱۸ شهریور ۱۳۸۵ علی لاریجانی برای دیدار با خاویر سولانا راهی وین شد. آن‌ها توافق کردند دیدارهایشان یک هفته بعد در وین ادامه پیدا کند، اما در ۲۲ شهریور، خبر لغو ناگهانی دیدارشان اعلام شد و اگر چه هر دو طرف به صورت جداگانه از دیدار و مذاکرات بعدی‌شان در نیویورک خبر دادند، اما این گفت‌وگوها به رغم آن‌که هر دو طرف مذاکره‌کننده آن را مثبت و سازنده توصیف می‌کردند، با شکست مذاکرات در برلین در مهر ۱۳۸۵، به حالت تعلیق درآمد. بار دیگر مذاکرات لاریجانی و سولانا در ۵ اردیبهشت در آنکارا از سر گرفته شد. مذاکرات در ۹ خرداد در مادرید و ۲ تیر در لیسبون ادامه پیدا کرد (باقری دولت‌آبادی، شفیع‌ی؛ ۱۳۹۳: ۲۹۲-۲۹۰).

دوره‌ی دوم با استعفای علی لاریجانی و انتصاب سعید جلیلی به دبیری شورای عالی امنیت ملی، شروع می‌شود. با روی کار آمدن جلیلی، مذاکره‌ای بین وی و خاویر سولانا در رم در آبان ۱۳۸۶ و با حضور علی لاریجانی، برگزار شد. در ادامه‌ی مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در آذر ۱۳۸۶، سعید جلیلی و خاویر سولانا در لندن پای میز مذاکره نشستند (دارمی، ۱۳۸۷: ۲۷-۳۳). دور بعدی مذاکرات به ریاست سعید جلیلی، ۸ ماه پس از آخرین دور مذاکرات ایران و خاویر سولانا در لندن، در تیر ۱۳۸۷ در ژنو انجام گرفت. مذاکرات بعدی تحت عنوان ژنو ۲ در مهر ۱۳۸۸ پس از گذشت بیش از یک سال برگزار شد. در این مذاکرات برای اولین بار مذاکرات از حالت دوجانبه (جلیلی و سولانا) خارج، و با حضور تیم مذاکره‌کننده‌ی ایران و نمایندگان کشورهای عضو گروه ۵+۱ از جمله ایالات متحده به ریاست ویلیام برنز، معاون وزیر خارجه‌ی این کشور برگزار شد. ادامه‌ی مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در آذر ۱۳۸۹ در ژنو و در بهمن ۱۳۸۹ در استانبول برگزار شد. در سال ۱۳۹۰ هیچ مذاکره‌ی مهمی میان ایران و گروه ۵+۱ برگزار نشد و گفت‌وگوها در اوایل سال ۱۳۹۱ پس از یک وقفه‌ی پانزده ماهه از سر گرفته شد. با آغاز مذاکرات جدید، تیم مذاکره‌کننده‌ی ایرانی برای تعیین مکان مذاکرات وارد چالش با گروه ۵+۱ شدند، چالشی وقت‌گیر و بی‌فایده. بر این اساس، پس از مذاکرات استانبول در ۲۵ و ۲۶ فروردین، به دلیل بروز تنش در روابط ایران و ترکیه بر سر سوریه، تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای ایران با تأکید بر این‌که میزبانی از مکان مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ به میزبان اعتبار بین‌المللی می‌بخشد خواستار برگزاری مذاکرات در کشورهای دوست ایران به منظور اعتبار بخشیدن به جایگاه آن‌ها شدند. بر این اساس بغداد، بیروت و حتی دمشق که کشور درگیر جنگ داخلی بود به عنوان گزینه‌های پیشنهادی ایران برای میزبانی از مذاکرات مطرح شد که پس از کش‌وقوس‌های فراوان دو طرف ابتدا روی بغداد و در ادامه مسکو و آلماتی به توافق رسیدند (دارابی، احدی، ۱۳۹۶: ۵۰-۴۶).

در دوران ریاست جمهوری حسن روحانی از همان ابتدا ایران با کشورهای ۵+۱ چه به صورت چندجانبه چه دوجانبه مذاکرات گسترده‌ای را آغاز کرد. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه‌ی ایران، و کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا، در اول مهرماه ۱۳۹۲ و در حاشیه‌ی نشست مجمع عمومی با یکدیگر دیدار کردند (Jenkins a Dalton, 2014: 2). دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ در ژنو سوئیس تحت عنوان ژنو ۳

برگزار و منجر به شکل‌گیری توافق ژنو شد. بعد از آن در آبان ۱۳۹۳ وین برای هشتمین بار میزبان مذاکره‌کنندگان برای رسیدن به تفاهم بود تا قبل از آن که سوم آذر به عنوان مهلت قانونی توافق‌نامه‌ی ژنو به پایان رسد، زمینه‌ای برای تفاهم جامع فراهم شود. نهایتاً مقرر گردید اعتبار توافق ژنو به مدت ۷ ماه دیگر تمدید شود (دریایی، ۱۳۹۴: ۵۹۲-۵۸۹). در تداوم مذاکرات هسته‌ای با ترکیب جدید و با حضور وزرای انرژی ایران و ایالات متحده، مذاکرات گسترده‌ای از ۱۱ تا ۱۴ اسفند ۱۳۹۳ در مونتر و سوئیس برگزار شد (Sterio, 2016: 74). مذاکرات هسته‌ای بعدی تحت عنوان لوزان ۲ در فروردین ۱۳۹۴ بین نمایندگان ایران و گروه ۵+۱ آغاز شد. این مذاکرات منجر به صدور بیانیه‌ی تفاهم هسته‌ای لوزان در ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ گردید. این تفاهم نامه به ایران و گروه ۵+۱ برای رسیدن به یک توافق جامع تا ۹ تیر ۱۳۹۴ فرصت داد (Bowen a (Moran, 2015: 694). بعد از توافق لوزان، مذاکرات گسترده‌ای بین ایران و گروه ۵+۱ برای دستیابی به توافق جامع شکل گرفت. دور بعدی گفت‌وگوهای هسته‌ای در راستای نگارش پیش‌نویس برنامه‌ی جامع اقدام مشترک از ۶ تیر آغاز گشت. با فرا رسیدن ضرب‌الاجل ۹ تیر مذاکرات جنب‌وجوش بیشتری پیدا کرد. در نهایت توافق جامع بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران، سه شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ در وین بین ایران و گروه ۵+۱ منعقد گردید (Heinonen, 2014: 13).

در دوران خاتمی ۱۲ دور مذاکرات چندجانبه با سه کشور اروپایی برگزار شده است و تعداد مذاکرات دوجانبه بسیار کمتر از مذاکرات چندجانبه می‌باشد. در دوران احمدی‌نژاد بیشتر مذاکرات ایران به صورت چندجانبه با کشورهای گروه ۵+۱ برگزار می‌شد. می‌توان گفت در دو دوره‌ی خاتمی و احمدی‌نژاد به دلیل عدم توجه به مذاکرات دوجانبه، مذاکرات با بن‌بست روبه‌رو شد، زیرا در مذاکرات دوجانبه بهتر می‌توان به بررسی و حل مشکلات پرداخت. اما در دوره‌ی روحانی، ایران با کشورهای گروه ۵+۱ چه به صورت چندجانبه چه دوجانبه مذاکرات گسترده‌ای را آغاز کرد. در این دوره به دلیل افزایش مذاکرات دوجانبه با کشورهای گروه ۵+۱ به خصوص ایالات متحده، حل مشکلات موجود بین دو طرف مذاکره آسان‌تر گردید.

پ) گفت‌وگوهای غیر مرتبط یا مستقیم سر اصل مطلب رفتن

در دوران محمد خاتمی با وجود این که مذاکرات در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای ایران بود اما در روند مذاکره، اروپایی‌ها بیشتر خواهان این بودند که از طریق همکاری در زمینه‌ی اقتصادی و تکنولوژی، مشوق‌هایی به ایران بدهند تا این کشور دست از غنی‌سازی اورانیوم بردارد. در توافق پاریس زمینه‌های همکاری ایران و اروپا را از موضوع هسته‌ای هم فراتر رفت؛ زیرا خواهان همکاری ایران در بحران سیاسی عراق بود. توافق پاریس تأکید مجددی بود بر شروط ذکر شده در توافق سعدآباد مبنی بر این که اروپا باید با ایران در گسترش امنیت و ثبات منطقه و از جمله ایجاد یک منطقه‌ی عاری از سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه همکاری کند. تأکید بر همکاری در مبارزه با گروه‌های تروریستی از موارد دیگر این توافق بود. این توافق، زمینه را برای مذاکرات منسجم و هدف‌دار درباره‌ی روابط اقتصادی آن هم توسط یک کمیته اقتصادی و نیز احیای مذاکرات تجاری فراهم کرد. در کنار این‌ها، توافق پاریس براساس تعهدات اروپا در بیانیه

تهران لزوم حمایت بروکسل از پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی و ادغام در اقتصاد جهانی را بار دیگر تکرار کرد (موسویان، ۱۳۹۴: ۲۲۴-۲۲۳).

در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای کشورمان به جای تمرکز بر موضوع هسته‌ای، موضوعات دیگری را مطرح می‌کردند. در مذاکرات ژنو ۲ سعید جلیلی در گفت‌وگوهای صریح و روشن خود با خاویر سولانا تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران از حقوق حقه‌ی خود به هیچ عنوان منصرف نخواهد شد. وی هم‌چنین با تشریح تفصیلی چارچوب بسته‌ی پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های اقتصادی، بین‌المللی و سیاسی امنیتی، بر لزوم خلع سلاح کامل جهانی تأکید کرد. مذاکره‌کننده‌ی ارشد جمهوری اسلامی ایران هم‌چنین پیش‌بینی و سازوکارهای لازم برای خلع سلاح جهانی را خواستار شد» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۸/۷/۱۰). جلیلی در کنفرانس خبری مذاکرات ژنو ۳ گفت: «ما آمادگی همکاری در زمینه‌های مختلف را با جامعه‌ی جهانی داریم. امروز ایران بیش از همیشه در بهترین شرایط سیاسی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی قرار دارد» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۸۹/۹/۱۶). بعد از مذاکرات بغداد سعید جلیلی در کنفرانس خبری حاضر شد و اظهار داشت: «ایران در بسته‌ی پیشنهادی خود در بخش موضوعات غیر هسته‌ای، مسائل بحرین و امنیت انرژی را مطرح کرد و گروه ۵+۱ نیز موضوعات دزدی دریایی و امنیت آبراه‌های دریایی و مبارزه با مواد مخدر را مطرح کردند» (سایت خبری تحلیلی عصر ایران، ۱۳۹۱/۳/۴). علاوه بر این، یکی از شرط‌های ایران در دور اول مذاکرات آلمانی، لزوم وارد کردن موضوعات منطقه‌ای، از جمله بحرین و سوریه به مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ و گسترش دستور کار گفت‌وگوها و رای مباحث هسته‌ای معمول بود (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۱/۱۲/۱۳).

در دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی تمرکز دو طرف مذاکره بر روی حل مناقشه‌ی هسته‌ای بود. محمدجواد ظریف در روند مذاکرات هسته‌ای تأکید کرد که: «موضوع گفت‌وگو با گروه ۵+۱ فقط برنامه‌ی هسته‌ای ایران است و هیچ موضوع دیگری از جمله توان نظامی ایران در این گفت‌وگوها نیست». ظریف گفت: «تنها موضوعی که ما توافق کردیم که در ژنو درباره آن صحبت کنیم این است که برنامه‌ی هسته‌ای ایران صلح‌آمیز باقی بماند؛ لذا ما در حوزه نظامی فقط این بحث را می‌کنیم که برنامه‌ی هسته‌ای ما نظامی نیست، و این هم از طرف ما یک موضوع پذیرفته شده‌ای است زیرا هم فتوای مقام معظم رهبری و هم دیدگاه استراتژیک ایران، این است که برنامه‌ی هسته‌ای ایران هیچ ارتباطی با موضوعات نظامی ندارد» (سایت فرارو، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹).

به طور کلی می‌توان گفت، در دوران خاتمی، اروپایی‌ها بیشتر خواهان این بودند که به مسائل اقتصادی و تکنولوژی بپردازند تا از طریق این مانع از دستیابی ایران به غنی‌سازی اورانیوم شوند. اما در دوره‌ی احمدی‌نژاد، به جای تمرکز بر موضوع هسته‌ای، تیم مذاکره‌کننده‌ی هسته‌ای کشورمان موضوعات دیگری را مطرح می‌کردند که هیچ ربطی به مذاکرات هسته‌ای نداشت. این حاشیه‌پردازی‌ها در دو دوره‌ی خاتمی و احمدی‌نژاد باعث شد که از پرداختن به مسئله‌ی اصلی که برنامه‌ی هسته‌ای بود، غفلت کنند. اما در دوره‌ی روحانی تمرکز اصلی دو طرف مذاکره بر روی حل مناقشه‌ی هسته‌ای بود و سعی بر این بود که برخلاف دو دوره‌ی گذشته از پرداختن به مسائل حاشیه‌ای خودداری کنند.

۴-۳. طراحی معاهده

در دوران خاتمی مهم‌ترین گامی که برای دستیابی به یک توافق بلندمدت برداشته شد توافق پاریس بود. مذاکرات نمایندگان ایران و اروپا در ۱ آبان ۱۳۸۳ در وین آغاز شد. در چنین شرایطی اروپا تصمیم گرفت وضع را تغییر داده و روند جدیدی را آغاز کند. پس از نشست گروه هشت، سه کشور اروپایی پس از رایزنی با ایالات متحده، طرحی را با عنوان «راه‌خروج» با هدف دستیابی به یک توافق بلندمدت پیشنهاد کردند (روحانی، ۱۳۹۲: ۲۹۱). طرح «راه‌خروج» دربردارنده‌ی زمینه‌ها، شیوه‌ها و راه‌کارهای همکاری هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران بود. پیش‌شرط ایران، به رسمیت شناختن حقش در توافق درباره‌ی تضمین‌های عینی بود. اروپایی‌ها در این مورد قادر به راضی کردن آمریکایی‌ها نبودند (عباسی، ۱۳۹۱: ۲۳۷)؛ و همین امر باعث شد که توافق پاریس با شکست مواجه شود. اما در دوره‌ی ریاست جمهوری احمدی‌نژاد عملاً هیچ‌گامی برای رسیدن به یک توافق بلندمدت برداشته نشد. در دوره‌ی ریاست جمهوری روحانی، ایران و گروه ۵+۱ درباره‌ی یک توافق که عنوان رسمی آن «طرح مشترک کاری» بود، در ۳ آذر ۱۳۹۲ به توافق رسیدند. هدف از این توافق رسیدن به یک راه‌حل بلندمدت مورد توافق دو طرف درباره‌ی ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه‌ی هسته‌ای ایران بود. این توافق دارای سه بخش مقدمه، گام اول و گام نهایی می‌باشد. در چارچوب توافق ژنو، عناصر گام اول دارای دوره‌ی زمانی ۶ ماهه بود. در این دوره دو طرف دارای تعهداتی بودند (علی‌بابایی، ۱۳۹۴: ۵۸۰-۵۷۹). گام نهایی که باید ظرف مدت یک سال از تصویب توافق ژنو اجرایی می‌شد، تدوین راه‌حلی جامع بود. به همین دلیل از ۲۹ بهمن ۱۳۹۲ سلسله‌گفت‌وگوها و مذاکره‌هایی میان ایران و گروه ۵+۱ آغاز شد (Jenkins a Dalton, 2014: 2).

به طور کلی می‌توان گفت، طراحی معاهده یعنی توافقی که مسیر آینده از نقطه‌ی شروع تا پایان، مسائل مورد مذاکره، دشواری‌ها، هدف مطلوب، زمان لازم، مکان مذاکره و... را مشخص می‌کند. در روند ۱۲ ساله‌ی مذاکرات تنها توافقی که این حالت را دارد توافق ژنو است. از این منظر، مقایسه‌ی دوره‌های سه‌گانه نشان می‌دهد که در دو دوره‌ی خاتمی و احمدی‌نژاد چنین توافقی وجود ندارد و این خود یکی از عوامل ناکامی آن‌ها در دستیابی به توافق است.

۴-۴. معماری مذاکرات

الف) طرفین مذاکرات

در دوره‌ی خاتمی، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب، برقراری روابط دیپلماتیک و مذاکره‌ی مستقیم با ایالات متحده را خط قرمز نظام معرفی کرده بودند. در این زمان، دولت ایران به منظور تعدیل فشارهای ایالات متحده و در عین حال، پیشبرد موفقیت‌آمیز سیاست‌های هسته‌ای خود، به سمت مذاکره با قدرت‌های اروپایی رفت. ایران ضمن تأکید بر تعهد به موازین استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، سه قدرت اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان را طرف اصلی مذاکرات دیپلماتیک خود برای حل و فصل معضلات هسته‌ای جاری قرار داد. در عین حال، چون منشأ اصلی تهدید علیه ایران،

ایالات متحده بود به طبع مذاکرات مستقیم بین دو طرف می‌توانست نتایج مفیدتری داشته باشد، اما با توجه به فقدان روابط دیپلماتیک بین دو کشور، اروپایی‌ها به عنوان بازیگر میانجی وارد عمل شدند (قنبرلو، ۱۳۸۷: ۸۳۵-۸۳۴). طرف‌های اروپایی از یک‌سو، در پی جلب همکاری بیشتر ایران با آژانس بودند و از سوی دیگر، در نقش تعدیل‌کننده‌ی فشارهای ایالات متحده علیه ایران عمل می‌کردند (Meier, 2013: 1).

با روی کار آمدن احمدی‌نژاد، مشکلات سال ۱۳۸۱ دیگر وجود نداشتند و گروه ۵+۱ جایگزین سه کشور اروپایی شدند. خاویر سولانا، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا و نماینده‌ی گروه ۵+۱ در ۱۶ خرداد ۱۳۸۵ بسته‌ی پیشنهادی ۵+۱ را در اختیار ایران قرار داد. و در ادامه علی لاریجانی برای گفت‌وگو در رابطه با این بسته در تیر ۱۳۸۵ با گروه ۵+۱ (به جز ایالات متحده) دیدار کرد (زیباکلام، ۱۳۸۶: ۴۲). در این دوره خط قرمز مذاکرات ایران با ایالات متحده برداشته شد همین امر باعث شد که ایالات متحده هم وارد مذاکرات هسته‌ای ایران شود. دور اول مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در مهر ۱۳۸۸ آغاز گردید. رئیس‌جمهور ایالات متحده تصمیم گرفته بود، ویلیام برنز، معاون وزیر امور خارجه را به عنوان نماینده‌ی عالی رتبه راهی مذاکرات کند (موسویان، ۱۳۹۴: ۴۴۰).

روحانی با اذعان به نقش و جایگاه ایالات متحده در معادلات بین‌المللی، راهبرد سیاست خارجی خود را بر مبنای کنار گذاردن «دیپلماسی نیابتی» و برقراری گفت‌وگوی مستقیم با این کشور، سازماندهی کرد. روحانی بر این عقیده است که: «قطعاً دوستی و دشمنی با دنیا دائمی نیست و اگر بتوانیم تهدید را به آسیب و آسیب را به فرصت تبدیل کنیم، این بهترین اقدام است». اتخاذ چنین رویکردی، با تأیید رهبری نظام به عنوان تصمیم‌گیر اصلی کشور همراه گردید. آیت‌الله خامنه‌ای با بیان تعبیر «نرمش قهرمانانه» ضمن تأیید راهبرد سیاست خارجی، اختیارات کامل و بی‌سابقه‌ای را به رئیس‌جمهور در جهت پیشبرد این رویکرد اعطا نمودند (غیور، جعفری، ۱۳۹۵: ۹۵).

در دولت خاتمی، به دلیل منع مذاکره با ایالات متحده از طرف رهبری، طرفین مذاکرات ایران سه کشور اروپایی بودند. که همین امر یکی از عوامل شکست در مذاکرات بود، زیرا یکی از طرف‌های مهم بحران هسته‌ای ایران، ایالات متحده بود که در مذاکرات شرکت نداشت. در دولت احمدی‌نژاد ایران با گروه ۵+۱ مذاکره می‌کرد، در این دوره خط قرمز مذاکره با ایالات متحده برداشته شد اما دولت از این فرصت برای برقراری مذاکرات دوجانبه‌ی مستقیم استفاده نکرد. در دولت روحانی هم طرف مذاکره‌ی ایران گروه ۵+۱ بود، اما با این تفاوت که در این دوره به مذاکرات گسترده‌ای با کشورهای گروه ۵+۱ و به خصوص ایالات متحده به عنوان طرف اصلی بحران هسته‌ای ایران، برگزار گشت.

ب) منافع

منافعی که تیم مذاکره‌کننده‌ی ایران در دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی دنبال می‌کردند پایان دادن به بحران و تنش‌ها که به وجود آمده بود. این را می‌توان در گفتار و در عمل سیاستمداران این دوره مشاهده کرد. برای نمونه کمال خرازی وزیر امور خارجه اعلام کرد: «کشف آثار اورانیوم غنی شده در ایران از سوی بازرسان در نتیجه‌ی آلودگی

قطعات وارداتی به مواد رادیواکتیو بوده است، نه نشانه‌ای مبنی بر این که ایران برنامه‌ی تولید تسلیحات هسته‌ای دارد» (اسدی، ۱۳۸۷: ۲۶۷-۲۶۶). مقامات ایران همچنین پس از مذاکرات خود با وزرای سه کشور اروپایی در تهران، اعلام کردند که پروتکل الحاقی را پذیرفته و برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم را به حالت تعلیق درخواهند آورد (گلشن‌پژوه ۱۳۸۳: ۱۶۵). رئیس جمهور خاتمی نیز، در دیدار با سه وزیر خارجه‌ی اروپایی، مذاکرات و توافقات صورت گرفته را مبتنی بر حسن نیت خواند و اظهار داشت: «تهران بر پایه‌ی عدالت، حفظ مصالح ملی و حقوق خود هرگونه تلاشی را برای رفع سوء تفاهات و مشکل‌ها انجام می‌دهد» (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۳: ۱۷۷). روحانی نیز در سال ۱۳۸۳ در مصاحبه با الجزیره در رابطه سلاح‌های کشتار جمعی گفت: «تصمیم ما عدم داشتن سلاح‌های کشتار جمعی است، زیرا ما بر این باوریم این سلاح امنیت را برای ایران فراهم نمی‌کند، برعکس با این سلاح‌ها مشکلات بزرگ‌تر خواهند شد...» (Vishwanathan, 2016: 5). علاوه بر گفته‌های مقامات بلندپایه‌ی نظام مبنی بر این که ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای نبوده، مقامات ایرانی در عمل نیز اقداماتی را برای پایان دادن به تنش انجام دادند. برای نمونه در این دوره، ایران در سه توافق مهم خود با کشورهای اروپایی تعهد کرد که به طور کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند، پروتکل الحاقی را امضاء، تصویب و اجرا کند، و در نهایت تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری را به صورت داوطلبانه تعلیق نماید.

محمود احمدی‌نژاد و تیم مذاکره‌کننده‌اش منافع هسته‌ای ایران را در ادامه‌ی روند غنی‌سازی اورانیوم می‌دیدند، خواهان مذاکره، بعد از غنی‌سازی بودند. این استراتژی در گفتار و رفتار رئیس جمهور و یارانش قابل مشاهده می‌باشد. حمیدرضا آصفی، سخنگوی وزارت خارجه‌ی ایران، در رابطه با پیشنهاد سه کشور اروپایی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴، اظهار داشت: «پیشنهاد اروپا قابل قبول نیست زیرا که در آن ایران از حق غنی‌سازی اورانیوم محروم می‌شود» (گلشن‌پژوه، ۱۳۸۴: ۳۰). علی لاریجانی نیز با تأکید بر سیاست هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد، اعلام کرد که ایران ضمن پذیرش ادامه‌ی همکاری با آژانس، به هیچ‌وجه در مورد تعلیق و توقف غنی‌سازی مذاکره نمی‌کند (دارابی، احدی، ۱۳۹۶: ۴۹). در ادامه ایران در واکنش به قطعنامه‌ی ۲ مهر ۱۳۸۴ به دستور رئیس جمهور و براساس مصوبه‌ی مجلس شورای اسلامی تمام تعلیقات داوطلبانه‌ی خود را لغو کرد و در حضور بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم پلمپ تأسیسات نطنز را در ۱۰ دی ۱۳۸۴ شکست (خالوزاده، ۱۳۹۱: ۵۵). سعید جلیلی نیز بعد از پایان مذاکرات آلمانی گفت: «دو محور اساسی که در این گفت‌وگوها برای جلب اعتماد ملت ایران بیان شد، عبارتند از: شناسایی حق غنی‌سازی و پایان دادن به رفتارهایی که نشانه‌ی دشمنی با ملت ایران است» (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۳۹۲/۱/۱۷). علاوه بر این، دولت احمدی‌نژاد در واکنش به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل، این قطعنامه‌ها را اقدامی سطحی و ناچیز توصیف کرد و گفت که ایران هیچ نگرانی از صدور قطعنامه از سوی شورای امنیت ندارد (دارابی، احدی، ۱۳۹۶: ۴۷).

حسن روحانی با وعده‌ی چرخیدن هم زمان چرخ سانتریفیوژها و چرخ زندگی مردم وارد انتخابات شد. روحانی معتقد بود که مسئله‌ی هسته‌ای باید در کنار سایر منافع ملی مردم ایران از جمله منافع اقتصادی، در نظر گرفته شود. وی

در اولین نشست خبری با صراحت اعلام کرد که به دنبال رابطه و تعامل با کشورهای دنیا براساس احترام متقابل است (زلفعلی فام، ۱۳۹۴: ۳۹۷). یکی از مهم‌ترین تحولات در زمان آغاز به کار دولت روحانی، سپردن مسئولیت مذاکرات هسته‌ای به وزارت امور خارجه بود. تا قبل از آن شورای عالی امنیت ملی، مسئولیت مذاکرات برعهده داشت که خود به موضوع هسته‌ای و وجهه‌ای امنیتی می‌داد (دارابی، احدی، ۱۳۹۶: ۵۱). محمدجواد ظریف نیز معتقد بود: «تحریم‌ها بیش از هر چیزی به مردم عادی ضربه می‌زند... ما نیازمندیم دیگران را به درک این واقعیت وادار کنیم که تنها از راه بازی بُرد-بُرد می‌توان به نفع جمعی رسید» (غیور، جعفری، ۱۳۹۵: ۹۷). به دلیل همین رویکردها، روحانی در شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، از آمادگی کشور برای گفت‌وگوهای بدون تأخیر برای اعتمادسازی متقابل و رفع دوسویه ابهامات از طریق شفافیت کامل خبر داد (Duncombe, 2016: 622-623).

به طور کلی می‌توان گفت، منافع تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران در این سه دوره ریاست جمهوری دنبال می‌کردند ادامه‌ی روند غنی‌سازی بود، اما هر کدام از این دولت‌ها روش متفاوتی را برگزیدند. در دوران خاتمی منافع ایران را همراه با پایان دادن به بحرانی که از مرداد سال ۱۳۸۲ آغاز شده بود و جلوگیری از ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت سازمان ملل، می‌دیدند. اصول‌گرایان منافع هسته‌ای ایران را در ادامه‌ی روند غنی‌سازی اورانیوم می‌دیدند. اما حسن روحانی روحانی معتقد بود که مسئله‌ی هسته‌ای باید در کنار سایر منافع ملی مردم در نظر گرفته شود. به همین دلیل روحانی و تیم مذاکره‌کننده‌اش مانند دولت خاتمی، و برخلاف دولت احمدی‌نژاد، تلاش کردند که با جهان خارج تعامل برقرار کنند؛ و ضمن حفظ برنامه‌ی هسته‌ای ایران، به کاهش فشارهای بین‌المللی پردازند.

منافع که طرف مقابل ایران دنبال می‌کرد تعلیق غنی‌سازی برنامه‌ی هسته‌ای ایران بود، اما نوع برخورد طرف غربی در هر کدام از این سه دوره ریاست جمهوری متفاوت بود. در دوران خاتمی، ایالات متحده خواهان برخورد قهرآمیز بود و کشورهای اروپایی حل این مسئله را از طریق دیپلماسی ممکن می‌دیدند (زهرانی، ۱۳۸۳: ۵۰۵). اما در دوره‌ی احمدی‌نژاد به دلیل مواضع تند وی و یارانش، باعث شد که مواضع کشورهای اروپایی به ایالات متحده نزدیک‌تر شود (قهرمان‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۵). اما در دوره‌ی روحانی، مواضع کشورهای گروه ۵+۱ به دلایلی تغییر یافته بود: الف) نگران این بودند که ایران به سمت تسلیحات هسته‌ای حرکت کند؛ ب) متوجه شده بودند که تحریم‌ها نمی‌تواند به ریشه‌کن کردن برنامه‌ی هسته‌ای ایران کمک کند؛ پ) عدم یک‌پارچگی در شورای امنیت سازمان ملل گزینه اقدام نظامی علیه ایران را منتفی می‌کرد (Mahapatra, 2016: 37). بنابراین آن‌ها دریافتند که منافعشان با اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران و فشار بر ایران برای تعلیق غنی‌سازی تأمین نمی‌شود مواضعشان را تغییر دادند (خلیلی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

پ) کنش‌های تأثیرگذار

کنش‌های تأثیرگذار از جانب ایران در دوره‌ی خاتمی به این صورت بود که براساس توافق‌های سعدآباد، بروکسل و پاریس ایران متعهد شد که به طور کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همکاری کند و به الزامات و سؤالات باقی مانده‌ی آژانس به صورت شفاف پاسخ دهد، پروتکل الحاقی را امضاء، تصویب و اجرا کند و تمامی فعالیت‌های

غنی‌سازی اورانیوم و بازفرآوری را به صورتی که آژانس تعریف می‌کند، به عنوان یک اقدام داوطلبانه، تعلیق کند. همچنین قرار شد که ایران اظهارنامه‌ای را بر طبق پروتکل الحاقی ارائه کند و این اظهارنامه توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی راستی‌آزمایی شود، ساخت، مونتاژ و آزمایش سانتریفیوژها را به صورت داوطلبانه تعلیق کند؛ و در نهایت فعالیت‌های غنی‌سازی تمامی تأسیسات خود را به حالت تعلیق درآورد (Kerr, 2018: 6-7). کنش تأثیرگذار طرف مقابل هم این بود که متعهد به شناسایی حق ایران برای استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برابر با معاهده‌ی منع گسترش سلاح هسته‌ای شد و تأکید کرد اگر ایران به تعهداتش عمل کند، راه برای گفت‌وگو بر مبنای همکاری‌های درازمدت باز می‌شود (غریب‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۷۰-۱۶۲). تنها کنش تأثیرگذار در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد این بود که هیأتی به سرپرستی اولی‌هاین‌ون، معاون امور پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در تیر ۱۳۸۶ برای انجام مذاکرات وارد تهران شدند. در پایان این گفت‌وگوها دوطرف بر سر یک برنامه‌ی کاری برای پاسخ ایران به سؤالات باقیمانده‌ی آژانس، درباره فعالیت‌های هسته‌ای این کشور به توافق رسیدند. تهران اعلام کرد به بازرسان آژانس اجازه می‌دهد از تأسیسات هسته‌ای اراک دیدن کنند. در مقابل کشورهای گروه ۵+۱ با توجه به توافق ایران و آژانس، اعمال تحریم‌ها علیه ایران را تا شهریور ۱۳۸۶ به تعویق انداختند (Kerr, 2018: 5).

در دوره‌ی ریاست جمهوری حسن روحانی ایران و کشورهای گروه ۵+۱ در این دوره‌ی ۲۲ ماهه به صورت گسترده همکاری کردند و اقدامات تأثیرگذار فراوانی را انجام دادند. به طور مثال، در توافق ژنو ایران متعهد شد که نیمی از اورانیوم موجود غنی شده‌ی ۲۰ درصد را به صورت اکسید ۲۰ درصد برای تولید سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران ذخیره نماید، اورانیوم را به سطح بالاتر از ۵ درصد غنی‌سازی نکند، فعالیت‌های خود در تأسیسات سوخت هسته‌ای بیش از این گسترش ندهد. در مقابل کشورهای گروه ۵+۱ تعهد کردند که تلاش برای کاهش خرید نفت خام ایران را متوقف کنند و مبالغ مشخص از عواید فروش نفت ایران در خارج از کشور را به ایران بازگردانند (علی‌بابایی، ۱۳۹۴: ۵۸۳-۵۸۱). همچنین تحریم‌های اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده بر صادرات پتروشیمی ایران، طلا و فلزات گران‌بها؛ و تحریم‌های ایالات متحده بر صنعت خودرو را به حالت تعلیق درآوردند و قطعنامه‌های جدیدی در رابطه با تحریم هسته‌ای، از جانب شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه‌ی اروپا و ایالات متحده صادر نشود (Kelly, 2013: 1). علاوه بر این، در زمان تمدید توافق ژنو در مذاکرات وین ۸، آمریکا متعهد شد که از دارایی‌های مسدود شده‌ی ایران ماهانه ۷۰۰ میلیون دلار آزاد خواهد کرد. متقابلاً ایران پذیرفت هر ماه ۵ کیلو از ذخایر اورانیوم غنی شده ۲۰ درصدی خود را به صفحات سوخت منتقل کند (دریایی، ۱۳۹۴: ۶۱۱). همچنین طبق توافق لوزان ایران پذیرفت که ذخایر اورانیوم غنی شده‌ی خود را کاهش دهد و نظارت شدید توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از زیرساخت‌های تحقیق و توسعه خود را برای مدت زمان بیشتری بپذیرد. در عوض طرف مقابل هم پذیرفت برخی تحریم‌ها را تعلیق کند (Duncombe, 2016: 629).

در دوره‌ی خاتمی کنش‌های تأثیرگذار عموماً از جانب ایران بوده و در مقابل کشورهای اروپایی حق ایران برای استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای برابر با معاهده‌ی منع گسترش سلاح هسته‌ای را مورد شناسایی قرار دادند، و همچنین از ادامه‌ی گفت‌وگوها و رابطه‌سازی با ایران صحبت می‌کردند. بر این اساس، می‌توان گفت کنش‌های

کشورهای اروپایی تأثیر چندانی بر روند مذاکرات با ایران نداشت، و کنش تأثیرگذار یک‌جانبه‌ی ایران هم نتوانست مذاکرات را از شکست نجات دهد. در دوره‌ی ۸ ساله‌ی ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد، دو کنش در رابطه با برنامه‌ی هسته‌ای یکی از جانب ایران و دیگری از جانب گروه ۵+۱ اتفاق افتاد. همین نبود کنش‌های تأثیرگذار از جانب دو طرف مذاکره در این دوره باعث درجا زدن و همچنین عدم پیشروی در مذاکرات گردید. در دوره‌ی روحانی، بر خلاف دو دوره‌ی گذشته، دو طرف کنش‌های تأثیرگذار قابل ملاحظه‌ای را انجام دادند که گامی رو به جلو در مذاکرات بود.

جمع‌بندی

برنامه‌ی هسته‌ای ایران در تابستان سال ۱۳۸۲ تبدیل به یک بحران گردید. زمانی که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ۲۱ شهریور ۱۳۸۲ قطعنامه‌ی شدیدالحنی را علیه ایران صادر کرد. این برنامه در سال‌های اخیر شاهد فراز و نشیب‌های متعددی بوده و با تحولات داخلی و خارجی درآمیخته شده است. بحران هسته‌ای، سه رئیس‌جمهور، سه دبیر شورای عالی امنیت ملی و یک وزیر امور خارجه را درگیر خود کرده، و منجر به مذاکرات متعددی در این زمینه شده است. در دوران محمد خاتمی تلاش تیم مذاکره‌کننده‌ی کشورمان این بود که نشان دهد ایران بازیگری عقلانی در عرصه‌ی بین‌المللی است. در این دوره برنامه‌ی هسته‌ای از طریق مذاکرات دیپلماتیک و نه تقابل یا تسلیم‌پیگیری می‌شد. اما به دلیل انعطاف مستمر از جانب ایران، قدرت‌های غربی به این باور رسیدند که نیاز چندانی با کنار آمدن با ایران ندارند و برای همین از خط قرمزهای ایران که عقب‌گرد و فریزکردن برنامه‌ی هسته‌ای بود، عبور کردند. در دوره‌ی محمود احمدی‌نژاد، به دلیل نگاه انتقادی به کشورهای غربی، مخالفت با هر نوع مصالحه بر سر حقوق هسته‌ای معیار و روش اصلی بود، و بر مذاکره‌ناپذیر بودن آن تأکید می‌شد. این اقدامات به معنای عبور از خط قرمزهای قدرت‌های غربی تلقی گشت و آن‌ها بر این باور بودند که ایران دارای تسلیحات هسته‌ای پنهان است. در این دوره، این فرصت به ایالات متحده داده شد که اتحادیه‌ی اروپا و حتی چین و روسیه را با خود همراه کند، و قطعنامه‌های تحریمی بی‌سابقه‌ای را علیه ایران در شورای امنیت سازمان ملل تصویب کنند. اما در دوره‌ی حسن روحانی، با شدت گرفتن آثار تحریم‌های چندجانبه، سخنرانی مقام رهبری مبنی بر نرمش قهرمانانه و اقداماتی از جمله مکالمه‌ی تلفنی روحانی و اوپاما، نشان از خواست محتاطانه‌ی دو طرف به ادامه کار و رسیدن به یک توافق در برنامه‌ی هسته‌ای ایران بود. علاوه بر این، گفته‌های روحانی در رابطه با مذاکرات بُرد-بُرد، و گفته‌های قدرت‌های غربی مبنی بر این‌که برنامه‌ی هسته‌ای ایران متوقف نخواهد شد، به معنای رعایت خط قرمزهای دو طرف مذاکره رعایت گردید. در این دوره روحانی با بهره‌گیری از تجارب دولت‌های پیشین سعی کرد مسیر اعتدال را طی کند به طوری که سیاست هسته‌ای روحانی در این دوره، تلفیقی از انعطاف دوره‌ی خاتمی و مقاومت دوره‌ی احمدی‌نژاد بود. این سیاست روحانی باعث گردید طرف مقابل ایران هم در سیاست‌های خود تجدید نظر کند، و همین امر دستیابی به توافق جامع هسته‌ای را امکان‌پذیر کرد.

جدول ۲: تفاوت‌های برنامه‌ی هسته‌ای در سه دوره‌ی ریاست جمهوری

محمد خاتمی	محمود احمدی‌نژاد	حسن روحانی
طرف مذاکره‌ی ایران سه کشور اروپایی بودند	طرف مذاکره‌ی ایران گروه ۵+۱ بودند	طرف مذاکره‌ی ایران گروه ۵+۱ بودند
۲۰ ماه مذاکره	۸ سال مذاکره	۲۲ ماه مذاکره
شورای عالی امنیت ملی نهاد مسئول مذاکرات بود	شورای عالی امنیت ملی نهاد مسئول مذاکرات بود	وزارت امور خارجه نهاد مسئول مذاکرات بود
پرونده‌ی هسته‌ای حالت امنیتی داشت	پرونده‌ی هسته‌ای حالت امنیتی داشت	پرونده‌ی هسته‌ای از حالت امنیتی به حالت دیپلماتیک درآمد
تیم مذاکره‌کننده دیپلمات‌های وزارت امور خارجه بودند	تیم مذاکره‌کننده خارج از دستگاه دیپلماسی بودند	تیم مذاکره‌کننده از دیپلمات‌های وزارت امور خارجه بودند
مسئول مذاکرات در این دوره حسن روحانی بود	مسئول مذاکرات در این دوره، ابتدا علی لاریجانی بود و بعد از ایشان سعید جلیلی مسئول مذاکرات شد	مسئول مذاکرات در این دوره محمدجواد ظریف بود
شکسته شدن اجماع جهانی علیه ایران	به وجود آمدن اجماع جهانی علیه ایران	شکسته شدن اجماع جهانی علیه ایران
مذاکره با ایالات متحده خط قرمز تیم هسته‌ای بود	خط قرمز مذاکره با ایالات متحده برداشته شد	ایران به صورت گسترده با ایالات متحده مذاکره کرد
سیاست اصلی در این دوره همکاری با اروپا و جلب اعتماد جامعه‌ی جهانی با سیاست تنش‌زدایی و دور کردن پرونده‌ی هسته‌ای از شورای امنیت سازمان ملل بود (رویکرد تعامل با جهان)	سیاست اصلی در این دوره تغییر نگاه راهبری از اروپا به شرق، با هدف نزدیکی به چین و روسیه و همچنین مقاومت در برابر خواست‌های شورای امنیت در تعلیق غنی‌سازی (رویکرد تقابلی با اردوگاه غرب)	سیاست اصلی در این دوره خارج کردن پرونده‌ی ایران از شورای امنیت لغو کلیه‌ی تحریم‌های صورت گرفته علیه ایران در پرونده اتمی توسط اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا (رویکرد تعامل با جهان)
روش مذاکره تعاملی و مذاکره برای اعتمادسازی بود	روش مذاکره غیرتعاملی و مذاکره برای مذاکره بود	روش مذاکره تعاملی و مذاکره برای توافق بُرد- بُرد بود
مهم‌ترین توافق‌ها در این دوره توافق سعدآباد (تهران) و توافق پاریس بود	مهم‌ترین توافق‌ها در این دوره توافق ژنو بود	مهم‌ترین توافق‌ها در این دوره توافق موقت ژنو، توافق لوزان و توافق جامع اتمی بود
پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای همزمان با جلوگیری از رفتن پرونده‌ی ایران به شورای امنیت	پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای به عنوان حق مسلم ایران و تحمل تحریم‌ها	پیشبرد برنامه‌ی هسته‌ای به عنوان حق ایران همزمان با رشد و توسعه‌ی اقتصادی
جلوگیری از ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت	ارجاع پرونده‌ی ایران به شورای امنیت	خارج شدن پرونده‌ی ایران از شورای امنیت
خارج شدن پرونده‌ی ایران از شورای امنیت	مسئله‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران به مسئله‌ی امنیتی تبدیل شد	مسئله‌ی برنامه‌ی هسته‌ای ایران از امنیتی بودن خارج شد

کتابنامه

احدی، افسانه (۱۳۸۴)، «استراتژی آمریکا در قبال برنامه‌ی هسته‌ای ایران»، در کتاب: محمودرضا گلشن‌پژوه، پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۲۰۰-۱۴۹.

ازغدی، علی‌رضا (۱۳۹۴). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌ها. تهران: قومس.

- اسدی، بیژن (۱۳۸۷). سیاست خارجی دولت اصلاحات؛ موفقیت‌ها و شکست‌ها، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- باقری دولت‌آبادی، علی؛ شفیعی، محسن (۱۳۹۳)، از هاشمی تا روحانی، بررسی سیاست خارجی ایران در پرتو نظریه سازه‌انگاری، تهران: تیسرا.
- بصیری، محمدعلی؛ قاسمی، مصطفی (۱۳۸۵). «مواضع اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا در پرونده‌ی هسته‌ای ایران». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۲۲۶-۲۲۵، خرداد و تیر، صص ۱۱۹-۱۰۴.
- خالوزاده، سعید (۱۳۹۱)، «دیپلماسی تحریم اتحادیه‌ی اروپا در برابر برنامه‌ی هسته‌ای ایران»، *پژوهشنامه‌ی سیاست بین‌الملل*، شماره ۱، پاییز و زمستان، صص ۶۷-۵۰.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۳)، «انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و چشم‌انداز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۱، شماره پیاپی ۶۳، بهار، صص ۱۵۴-۱۲۱.
- دارابی، علی؛ احدی، افسانه (۱۳۹۶)، «رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامه هسته‌ای ایران: مطالعه‌ی تطبیقی»، *روابط خارجی*، شماره ۱، بهار، صص ۶۷-۳۳.
- دارمی، سلیمه (۱۳۸۷)، «وقایع‌نگاری تحولات هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۶»، در کتاب: محمودرضا گلشن‌پژوه، *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها (۴)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۴۷-۹.
- دریایی، محمدحسن (۱۳۹۴)، «مذاکرات هسته‌ای برای حصول برنامه‌ی جامع اقدام مشترک تا بیانیه سوئیس (لوزان)»، در کتاب: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۶۱۷-۵۸۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سازمان سمت.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۴). «گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران و اروپا: از آغاز تا نشست بروکسل». *اطلاعات سیاسی اقتصادی*. شماره ۲۱۲-۲۱۱، بهار، صص ۷۱-۵۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ نوری، وحید (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- روحانی، حسن (۱۳۹۲). *امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- زلفعلی‌فام، حسین (۱۳۹۴)، «دیپلماسی اعتدال‌گرا و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *مطالعات افکار عمومی*، شماره ۱۵، پاییز، ۴۱۰-۳۸۵.
- زهرانی، مصطفی (۱۳۸۳)، «انتخاب مجدد بوش و جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی*، شماره ۳، شماره پیاپی ۷۱، پاییز، صص ۵۲۲-۴۴۷.
- زیباکلام، ستوده (۱۳۸۶)، «نگاهی به تحولات مربوط به پرونده هسته‌ای ایران در سال ۱۳۸۵»، در کتاب: محمودرضا گلشن‌پژوه، *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها (۳)*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۴۴-۱۳.
- صالحی، علی‌اکبر {گفت‌وگو با} (۱۳۹۴)، «جلیلی فکر می‌کرد برای اهداف خاصی راه مذاکره با آمریکا را باز کرده‌ایم»، *دیپلمات*، شماره ۳، آذر، صص ۳۲-۲۴.
- عباسی، مجید (۱۳۹۱)، *چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در دوره‌ی پس از ۱۱ سپتامبر*، تهران: دانشگاه امام صادق (ص).
- علی‌بابایی، غلام‌رضا (۱۳۹۴)، «تفاهم ژنو»، در کتاب: اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی، *تاریخچه انرژی هسته‌ای در ایران و جهان*، تهران: وزارت امور خارجه، صص ۵۸۵-۵۷۹.

- عیوضی، محمدرحیم؛ نوازی، علی (۱۳۹۳)، «بررسی مقایسه‌ای سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد و روحانی در مواجهه با سازمان ملل متحد»، *مطالعات دفاعی استراتژیک*، شماره ۵۸، زمستان، صص ۷۴-۳۹.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۷)، *برنامه‌ی هسته‌ای ایران واقعیت‌های اساسی*، تهران: وزارت امور خارجه.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۶)، *پرونده‌ی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران به روایت اسناد*، تهران: وزارت امور خارجه.
- غیور، رامین؛ جعفری، هانیه (۱۳۹۵)، «قدرت نرم و توافق هسته‌ای ایران با کشورهای ۵+۱»، *سیاست بین‌الملل*، شماره ۲، بهار و تابستان، صص ۸۶-۱۱۸.
- فلاحی، سارا (۱۳۸۶)، «بررسی مقایسه‌ای دیپلماسی هسته‌ای دوران ریاست جمهوری محمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد: تا پایان قطعنامه‌ی ۱۷۴۷ شورای امنیت»، *پژوهشنامه‌ی علوم سیاسی*، شماره ۶، بهار، صص ۸۶-۵۳.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۷)، «آمریکا و بحران هسته‌ای ایران»، *مطالعات راهبردی*، شماره ۴، شماره پیاپی ۴۲، زمستان، صص ۸۵۲-۸۲۷.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۸۷)، *رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- قهرمان‌پور، رحمن (۱۳۹۵)، *سیاست خارجی و دیپلماسی هسته‌ای ایران؛ از تقابل تا اعتمادسازی*، تهران: تیسرا.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۳)، «پذیرش پروتکل الحاقی توسط ایران»، در کتاب: *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۱۹۶-۱۶۵.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۳)، «تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس اتمی درباره ایران»، در کتاب: *پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۲۳۵-۱۹۷.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۴)، «از آغاز فعالیت تأسیسات اصفهان تا بیستم مرداد ماه»، در کتاب: *پرونده هسته‌ای ایران (۲): روندها و نظرها*، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، صص ۴۹-۱۳.
- موسویان، سیدحسین (۱۳۹۴)، *روایت بحران هسته‌ای ایران: ناگفته‌های یک دیپلمات*، ترجمه: رحمن قهرمان‌پور. تهران: تیسرا.
- پایگاه خبری تحلیلی انتخاب (۱۳۹۲/۹/۴)، «مرد پشت پرده مذاکرات محرمانه ایران و آمریکا کیست؟/ تهران-واشنگتن از ماه‌ها پیش مشغول مذاکرات سری بودند»، قابل دسترس در: <http://www.entekhab.ir/fa/news/138310>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۲/۶/۲۶)، «رهبر انقلاب اسلامی بر استفاده از تاکتیک «نرمش قهرمانانه» تأکید کردند»، قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/92062616573>
- سایت خبری تحلیلی تابناک (۱۳۹۱/۱۲/۱۳)، «پنج شرط ایران که ۵+۱ آن‌ها را پذیرفته است»، قابل دسترس در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/306132>
- سایت خبری تحلیلی تابناک (۱۳۸۸/۷/۱۰)، «گزارش کامل مذاکرات ژنو»، قابل دسترس در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/66691>
- سایت خبری تحلیلی تابناک (۱۳۹۲/۱/۱۷)، «مذاکرات آلمانی به پایان رسید مکان و زمان دور بعدی مشخص می‌شود»، قابل دسترس در: <http://www.tabnak.ir/fa/news/311831>
- سایت خبری تحلیلی عصر ایران (۱۳۹۱/۳/۴)، «پایان بی نتیجه مذاکرات بغداد: مسکو میزبان نشست بعدی ایران و ۵+۱»، قابل دسترس در: <http://www.asriran.com/fa/news/216123>
- سایت فرارو (۱۳۹۲/۱۱/۲۹)، «ظریف: موضوعات نظامی ارتباطی با مذاکرات ندارد»، قابل دسترس در: <http://fararu.com/fa/news/180531>
- سایت فرارو (۱۳۹۲/۶/۲۶)، «کاخ سفید: آمریکا آماده‌ی گفت‌وگو با دولت روحانی است»، قابل دسترس در: <http://fararu.com/fa/news/162582>

Bowwn, Wyn and Moran, Matthew (2015); "Living with nuclear hedging: the implications of Iran's nuclear strategy", *International Affairs*, Vol, 91 (4). pp. 687-707.

Carrel-Billiard, Francois and Wing, Christine (2010); “*Iran and the NPT*”, Available in: https://www.ipinst.org/wp-content/uploads/2010/04/pdfs_iranchapt.pdf

Duncombe, Constance (2016); “*Representation, Recognition and Foreign Policy in the Iran-US Relationship*”, **European Journal of International Relations**, Vol, 22(3). pp. 622-645.

Heinonen, Olli (2014); “*The Iranian Nuclear Programme Practical Parameters for a Credible Long-Term Agreement*”, **Published in by the Henry Jackson Society**, Available in: <https://www.belfercenter.org/.../iranian-nuclear-programme-practical-parameters-credi>.

Jenkins, Peter and Dalton, Richard (2014); “*Iran’s Nuclear Future*”, **Middle East and North Africa Programme**, Available in: <https://www.chathamhouse.org/publication/iran-nuclear-future>

Joyner, Daniel H. (2013); “*Iran’s Nuclear Program and International Law*”, **Penn State Journal of Law & International Affairs**, Vol, 2 (2). pp. 282-292.

Kelly, Robert (2013); “*The Nuclear Agreement with Iran*”, **Norwegian institute of international Affairs**, Available in: <https://www.nupi.no/index.php/content/download/8519/.../1/.../Kelly%20article.pdf>

Kerr, Paul K. (2018); “*Iran’s Nuclear Program: Status*”, **Congressional Research Service**, Available in: <https://www.amazon.com/Irans-Nuclear-Program-Paul-Kerr/dp/1546495622>

Mahapatra, Chintamani (2016); “*US–Iran Nuclear Deal: Cohorts and Challenger*”, **Contemporary Review of the Middle East**, Vol, 3(1). pp. 36-46.

Meier, Oliver (2013); “*European Efforts to Solve the Conflict over Iran’s Nuclear Programme: how has the European Union Performed?*” **EU Non-Proliferation Consortium**, Available in: https://www.files.ethz.ch/isn/168617/eunpc_no%2027.pdf

Ramesh, Ghandikotasivamala and Tsegaye, Kebede (2011); “*Iran’s Nuclear Program*”, Available in: https://www.researchgate.net/publication/277698075_Iran's_Nuclear_Program

Sebenius, James K and Singh, Michael K. (2012); “*Is a Nuclear Deal with Iran Possible? An Analytical Framework for the Iran Nuclear Negotiations*”, **International Security**, Vol. 37(3), pp. 52-91.

Sterio, Milena (2016); “*President Obama’s Legacy: The Iran Nuclear Agreement?*” **Case Western Reserve Journal of International Law**, Vol. 48(1), pp. 69-82.

Vishwanathan, Arun (2016); “*Iranian Nuclear Agreement: Understanding the Nonproliferation Paradigm*”, **Contemporary Review of the Middle East**, Vol. 3(1), pp. 3-22.